

ترند گذاری برنامه ششم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (ویراست مهر ماه 1393)

ترند گذاری برنامه ی ششم پیشرفت

1399 - 1394

در افق طرح ریزی استراتژیک 1414

ششمین برنامه ی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مقطع پنج ساله ی 1394-1399 را در برمی گیرد. برنامه ی ششم پیشرفت، وارث پیامدهای مثبت و منفی پنج برنامه ی پنج ساله ی قبلی در یک دوره ی 25 ساله است؛ هم چنین برنامه ی ششم، عمیقاً متأثر از وقایع و تحولات جهانی، منطقه ای و ملی است که رخ داده یا در حال وقوع است. از این رو، ترندهای [1] برنامه ی ششم، لزوماً باید مبتنی بر پیامدهای برنامه های پیشین و تحولات جهانی، منطقه ای و ملی گذاشته شوند. محورهای کلی ترند گذاری برنامه ی ششم، به اجمال در پی این مقدمه آمده است. اما سه نکته ی اساسی، روند برنامه ریزی استراتژیک طرح های پیشرفت را اصلاح و غنی می سازد:

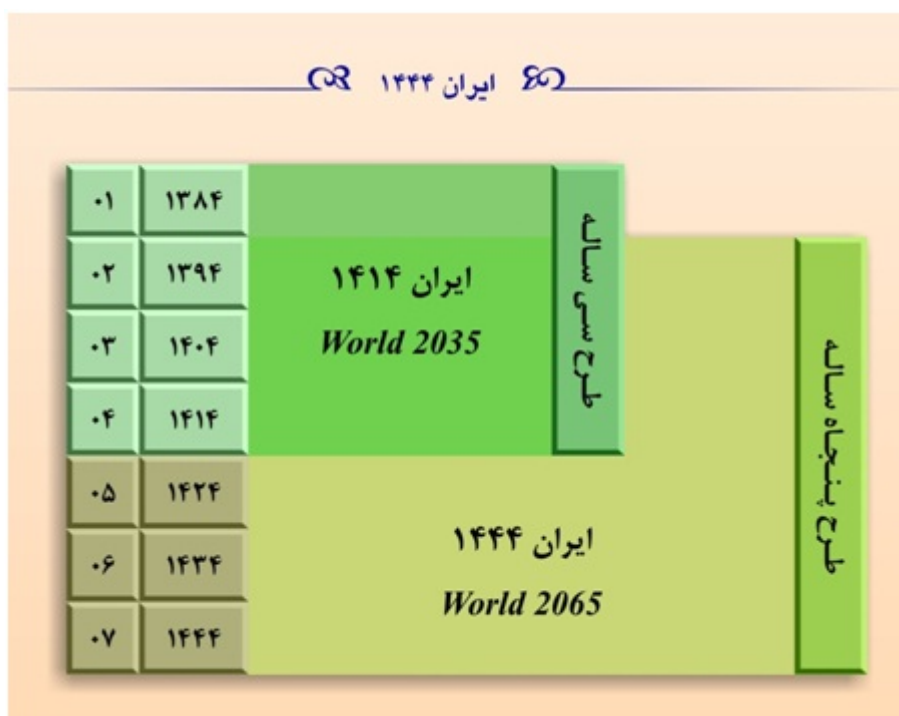
الف- طرح ریزی های پنج ساله، با یک اشکال اساسی مواجه است و آن اشکال این است که اجرای این طرح ها و برنامه ها، اغلب به جمهوری بعد موکول می شوند. برنامه ی چهارم توسعه توسط جمهوری هشتم ریخته شد و در جمهوری نهم اجرا گردید. برنامه ی پنجم توسعه نیز در جمهوری دهم ریخته شد و اجرای بخشی از آن به جمهوری یازدهم موکول گردید. با توجه به این که هر جریان سیاسی که از سوی مردم انتخاب می شود، غالباً در یک دوره ی هشت ساله، دو جمهوری چهارساله را عهده دار می شود، عقلانی تر است که برنامه ی دوره ی دو جمهوری را تهیه کند.

از این رو ضروری است برنامه های پنج ساله ی پیشرفت تبدیل به برنامه های هفت ساله ی پیشرفت شوند. در این صورت هر

جمهوری که شکل گرفت، در یک سال اول عمر خود، برنامه‌ی مطلوب خود را تهیه نموده و در مجلس شورای اسلامی تصویب نماید. سپس در سه سال باقی عمر آن جمهوری - و چهارساله‌ی عمر جمهوری بعدی - آن برنامه‌ی هفت‌ساله‌ی خود را اجرا کند. در این صورت امکان ارزیابی برنامه‌ی اختصاصی هر جمهوری، و عمل‌کرد آن جمهوری پس از اتمام دوره‌ی آن بهتر محقق می‌شود.

در قرآن کریم، نظام برنامه‌ریزی استراتژیک حضرت یوسف (ع) برای مصر باستان تشریح شده است. رؤیای فرعون مصر در خواب، حاوی علائمی بود که یوسف (ع) آن‌ها را تأویل کرد و مبتنی بر آن، دو برنامه‌ی هفت‌ساله را برای چهارده سال ریخت. از این رو برنامه‌ی هفت‌ساله، یک الگوی وحیانی نیز در قرآن کریم دارد.

ب- برنامه‌های پیشرفت باید در افق مشخص ریخته شود. برنامه‌ی ششم پیشرفت نیز یک افق نزدیک دارد که سند چشم‌انداز 1404 است. اما تحولات پرشتاب جهانی حکم می‌کند که این نگاه عمیق‌تر شود. برای برنامه‌ی ششم - که اجرای آن از 1394 آغاز می‌شود - افق 1414، خود یک افق بیست‌ساله است. چشم‌انداز 1404 افق نزدیک، چشم‌انداز 1414 افق واسط، و چشم‌انداز 1444 افق دور برنامه‌ی ششم پیشرفت است.



ج- طرح‌ریزی استراتژیک، روی‌کردهای متعدد و متنوعی دارد که در ایران متأسفانه تنها یک روی‌کرد موردتوجه بوده است؛ مکتب «اصالت فرصت» در روی‌کرد امنیت‌مدار. این مکتب که تحت عنوان مخفف SWOT شناخته می‌شود، ظرفیت کامل و جامعی برای طرح‌ریزی استراتژیک ندارد. هر حوزه‌ای، روی‌کرد طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی خاص خود را می‌طلبد که غالباً با روی‌کرد امنیت‌مدار و به‌ویژه با مکتب SWOT تمایز و تفاوت اساسی دارد.

در تبیین ترندهای برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، مطالعات نهادهای دکترینال غربی نیز بررسی شده است:

- ترندهای 2015 TRADOC فرماندهی دکترین و آموزش - آمریکا.
- ترندهای 2020 TrendOne اتحادیه اروپا.
- ترندهای 2045 DCDC مرکز دکترین، مفاهیم و توسعه - انگلیس.
- ترندهای 2050 ریچارد واتسن - آمریکا.

گزاره‌های جهانی

1- نظام چندقطبی

گروه بریکس BRICS، شامل روسیه، چین، برزیل، هند و آفریقای جنوبی، که نزدیک به یک‌سوم اقتصاد جهان را دربردارند در حال ایجاد صندوق پولی مشترک، برای شکستن انحصار صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ این اقدام، آمریکا و **اقتدار دلار را به چالش خواهد کشید**. وقایع اوکراین و سوریه، شکاف روسیه و غرب را بیشتر کرد و هم‌چنین موجب هوشیاری بیشتر چین شد. غیر از گروه بریکس و پیمان شانگهای، حوزه‌ی مرکوسور (کشورهای آمریکای لاتین) نیز برای شفاف کردن مرزهای منافع خود با آمریکای شمالی و اروپا، تلاش می‌کنند. از این رو، جهان در دوره‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، به سمت نظام کلی دوقطبی **غرب (اروپا و آمریکا) - شرق (چین و روسیه)** پیش می‌رود.

جهان اسلام، از یک‌سو درگیر جنبش‌های بیداری اسلامی در مصر، یمن، فلسطین، بحرین، تونس، و لیبی است، و از سوی دیگر با فتنه‌ی تکفیری‌ها مواجه است. در جهان اسلام نسبت به تحولات جهانی و روند شکل‌گیری نظم جهانی، چهار انگاره‌ی متفاوت وجود دارد:

الف- انگاره‌ی غالب (در میان دولت‌های کشورهای اسلامی): انگاره‌ی غالب، گرایش به قطب غربی جهان (آمریکا-

اروپا) است؛ ترکیه و عربستان پرچم‌دار این انگاره هستند و عمده‌ی کشورهای عرب از این انگاره پیروی می‌کنند.

ب- انگارهی ضعیف: روی کرد به قطب شرقی جهان (روسیه- چین).

پ- انگارهی غفلت: روی کرد کشورهایی که متوجه تحولات نظام جهانی نبوده، و به مشکلات خود مشغول هستند.

ت- انگارهی تهاجمی: روی کرد ساماندهی قطب سوم جهان (جنبش جهانی بیداری اسلامی- جنبش جهانی مستضعفین). پرچم این انگاره، در دست نیروهای انقلاب اسلامی و جریان منطقه‌ای حزب‌الله است.

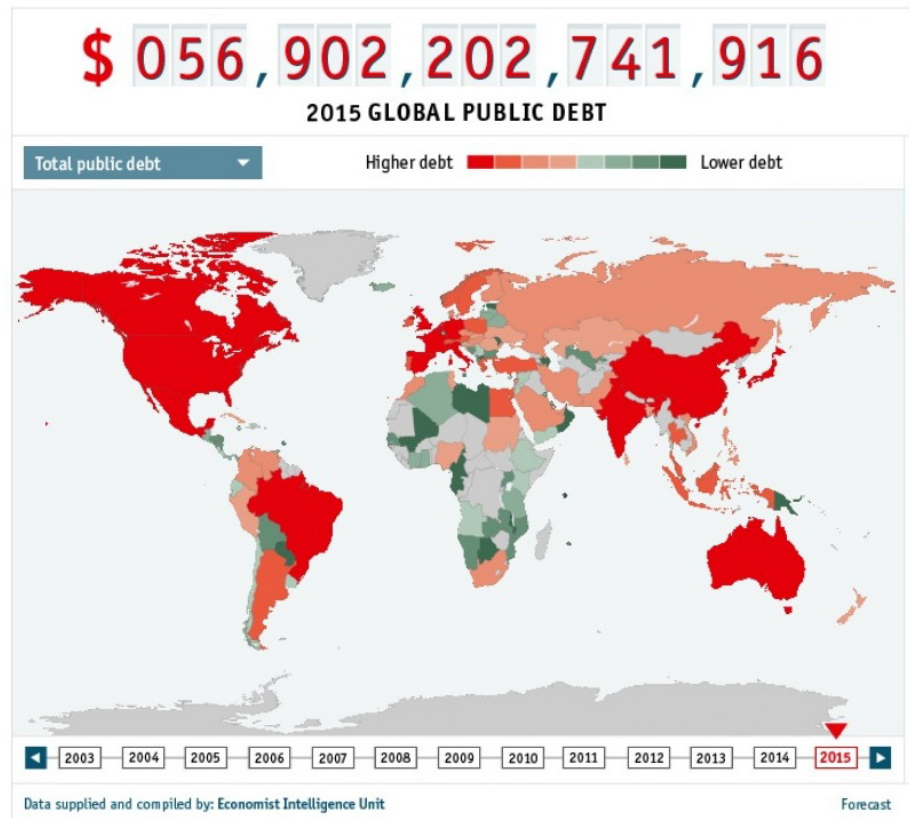
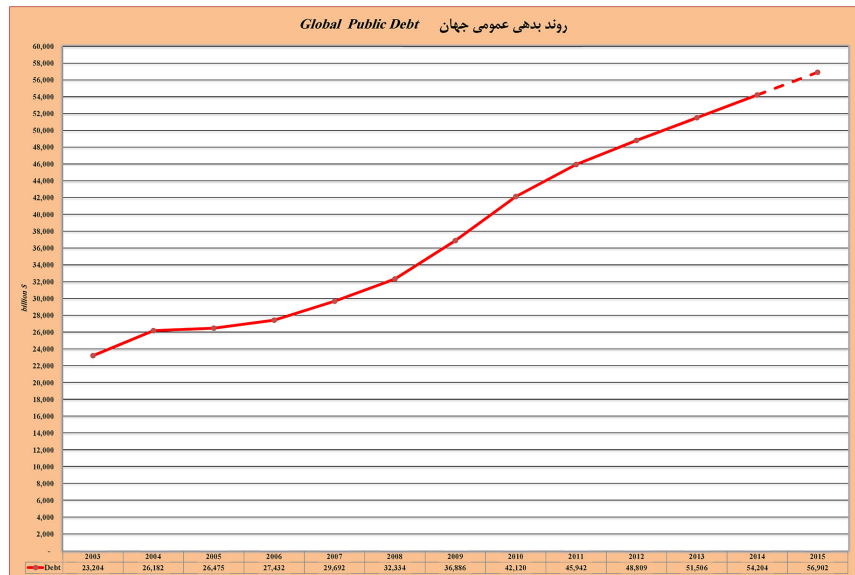
هر چهار انگاره، ضعف‌ها و قوت‌ها، و همچنین فرصت‌ها و مزیت‌های نسبی خود را دارند؛ اما آنچه مشهود است، این که هیچ‌یک از این انگاره‌ها در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت نمی‌توانند بر جهان اسلام غالب شوند و ناچار به تعامل و یارگیری، و تقابل با یک‌دیگر هستند.

استراتژی جمهوری اسلامی باید بر گفتمان‌سازی جهانی، منطقه‌ای و ملی انگاره‌ی چهارم (تهاجمی) در شکل‌گیری نظم جهانی معطوف باشد.

2- فروپاشی اقتصاد جهانی

اقتصاد دلار پایه‌ی جهان در سال پایه‌ی برنامه‌ی ششم (1394/2015) بیش از 56 تریلیون دلار بدهی عمومی دارد؛ این رقم که به مراتب از درآمد کل کشورهای جهان بیشتر است، عمدتاً مربوط به اقتصادهای برتر (آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا، و غیره) است و در سال 1399 به 72 تریلیون دلار می‌رسد.

سیل انتقادهای جهانی از سوی دانشمندان، روشنفکران، مدیران، و سیاست‌مداران، به مدل‌های اقتصاد لیبرالیستی، موج فزاینده‌ای یافته است. اما آنچه حائز اهمیت است، این که هنوز الگوی جایگزینی برای لیبرالیسم اقتصادی تبیین نشده است.



جمهوری اسلامی در این میان موقعیت ویژه‌ای دارد:

الف- از یک‌سو، درگیر تحریم‌های جهان استکبار است، و به تعبیر امام خامنه‌ایمدظله «کشور درگیر یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است.»

ب- و از سوی دیگر، با طرح **اقتصاد مقاومتی**[2]، که رهبر معظم انقلاب، آن را **جهاد مقدس خواندند**، درصدد مقاومت‌سازی اقتصاد ملی، برای خنثی کردن استراتژی‌های جهان استکبار، در جنگ تمام‌عیار اقتصادی[3] مزبور است؛ اما

اقتصاد مقاومتی با دو چالش اساسی در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت مواجه است:

(1) چالش نظری: تکنوکرات‌های حاضر در حوزه‌ی اقتصاد ایران، عمدتاً مؤمن به دکترین‌های فریدمنی، یا نئوکینزی هستند. پذیرش بی‌سروصدای مکتب پولی در اقتصاد ایران در دو دهه‌ی اخیر، عملاً اقتصاد مقاومتی را غیرممکن ساخته است.

(2) چالش عملی: اصالت پول در اقتصاد، و سیطره‌ی بازار سرمایه به‌عنوان حجاب بر سایر بازارها، موجب این شده است که پول با پول کار کند. این که پول با پول کار کند و اساساً «کار کردن» پول برخلاف حکم صریح امام خمینی (ره) است که فرمودند: «پول نباید کار کند.» [4] و [5]

دلیل اصلی سست شدن بنیه‌ی ملی، مکتب اصالت پول است و باوجود آن، مقاوم‌سازی اقتصاد تنها در حوزه‌ی شاخ و برگ‌ها صورت می‌گیرد، نه در تنه و ریشه‌ی آن.

جمهوری اسلامی چهار استراتژی هم‌زمان را باید در مقطع پنج‌ساله‌ی برنامه‌ی ششم سرلوحه‌ی خود قرار دهد:

استراتژی یکم

مفهوم پول در اقتصاد ایران گمراه‌کننده است. باید پول به معنی *Currency* حذف شود و *Money* جایگزین شود. پول بدون پشتوانه *Fiat* کارکردی همچون ویروس *HIV* در پیکره‌ی اقتصاد دارد.

استراتژی دوم

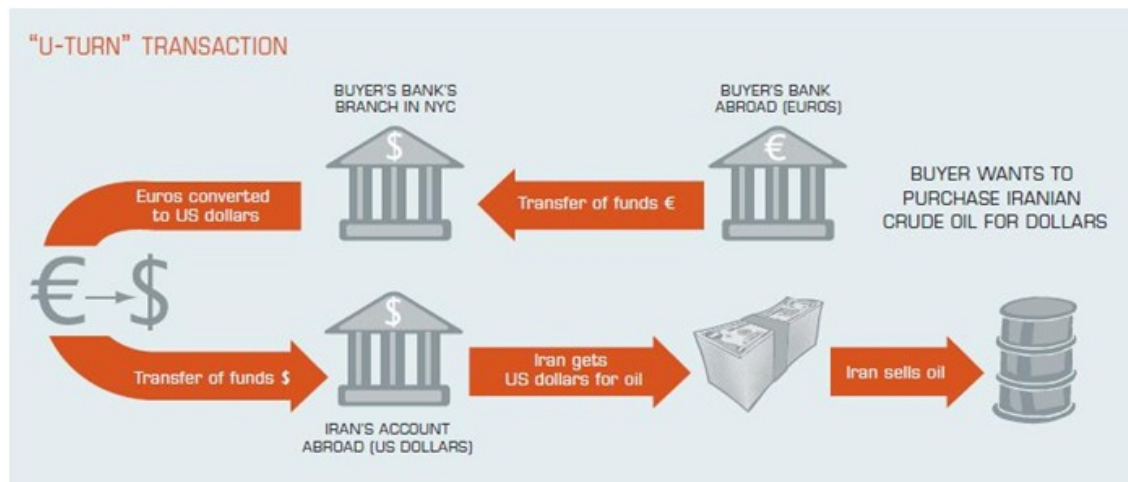
کنار گذاردن مکتب اصالت پول در اقتصاد ملی. در این صورت، بازار سرمایه از اصالت خواهد افتاد و سایر بازارها موردتوجه واقع می‌شوند. بانک، بورس و بیمه نیز به نهادهای فرعی و خدماتی تبدیل‌شده و از محوریت ساقط می‌شوند.

استراتژی سوم

در تجارت بین‌المللی، با ایجاد پیمان‌های دوجانبه‌ی پولی، هر نوع ارز ثالث مانند دلار و یورو، از چرخه‌ی معاملات حذف شود.

چین و روسیه این روند را در پیش گرفته‌اند و جمهوری اسلامی که در محاصره‌ی اقتصادی است، بیش از دیگران به این روند نیازمند است.

*نکته: مرکز سیاست دوحزبی آمریکا *Bipartisan Policy Center* در سال 1387 در گزارشی، استراتژی آمریکا علیه ایران را در قالب «دائم پارادایم» اعلام کرد. استراتژی آمریکا در قالب «دوربرگردان» یا *U-Turn* مبتنی بر این است که هر نوع معامله نفتی ایران با ارزی غیر از دلار، باید در بازار جهانی یا در کشور مقصد، ابتدا به دلار برگردد، سپس معامله رسمیت پیدا کند. باید به این استراتژی حمله کرد و دلار را از چرخه‌ی معاملات حذف کرد.



استراتژی چهارم

مهار نفوذ کمپانی‌ها و کورپوریشن‌های بین‌المللی در اقتصاد ایران: کمپانی‌های چندملیتی و تک ملیتی خارجی، به بهانه‌ی سرمایه‌گذاری، نقاط استراتژیک و عملیاتی تولید و تجارت را در دست گرفته و بر کلیت ساختار سیاست اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی کشور تأثیرگذار می‌شوند؛ از این رو باید با رصد هوشمندانه‌ای ورود و حضور این کمپانی‌ها، تهدید آن‌ها در شکل‌گیری استراتژی لکه‌ی جوهر را خنثی کرد. کشور کره جنوبی امروز توسط این کورپوریشن‌های چندملیتی اداره می‌شود؛ چین نیز به‌مرور با این تهدید مواجه شده است و اقتصاد آن مترصد تسخیر شدن است.

خط‌مشی

این استراتژی‌ها بر یک معیار و میزان مشخص سنجش می‌شوند: زدودن زهر ربا از تن اقتصاد ایران. **خط‌مشی ربازدایی از اقتصاد ایران**، معیار استراتژی‌های مزبور، در بستر تحولات جهانی اقتصاد است. جنگ تمام‌عیار اقتصادی، عملاً در قالب **جنگ با خدا و رسول خدا (ص)** به اجرا درآمده است.

3- تغییرات زیست‌بوم جهانی

سرعت تغییرات زیست‌بوم جهانی، نابودی گونه‌های جانوری، اسراف منابع کره‌ی زمین، و تغییرات دمایی، موقعیت جلدی سیاره را به مخاطره انداخته و به‌مرور بر حیات بشر و ساخت و بافت اجتماعی کشورها و قاره‌ها تأثیر گذارده و بنیه‌ی آن‌ها را ضعیف می‌سازد. بخشی از «امنیت جهانی پایدار» معطوف به محیط‌زیست جهانی پایدار است. ناپایداری محیط‌زیست جهانی در این دوره، در طول تاریخ کم‌سابقه است.

گزاره‌های بین‌المللی

1- تغییرات ژئوپلیتیکی

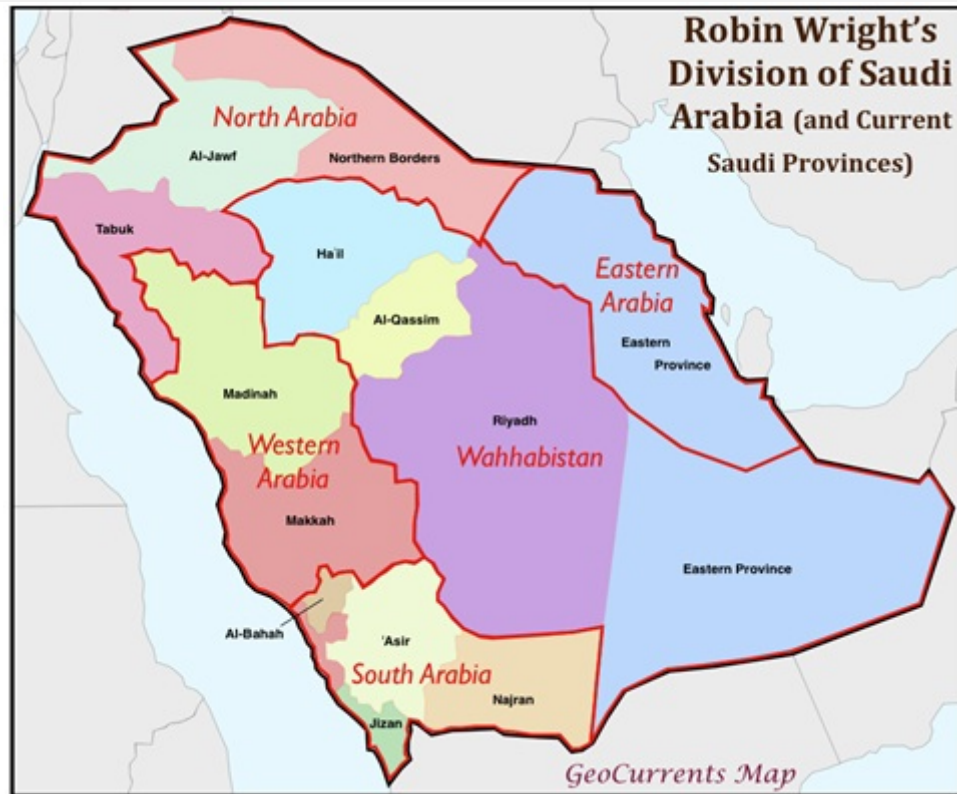
در عرصه‌ی بین‌المللی، به‌ویژه در جهان اسلام، تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ویژه‌ای از سوی استکبار جهانی پیگیری می‌شود: پس از حدود یک‌صد سال که از اقدامات دو فرد فرانسوی و انگلیسی (پیکو[6] و سایکس[7]) در تنظیم و ترسیم نقشه و مرزهای کشورهای جنوب غرب آسیا می‌گذرد، مجدداً نقشه و مرزهای همین کشورها را آماج طرح‌ها و تغییرات موردنظر خود قرار داده‌اند؛ از این‌رو، مقاصد شوم استکبار جهانی در تجزیه‌ی کشورهای اسلامی در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم جمهوری اسلامی، موقعیت ویژه‌ای را برای جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد که نباید از وقوع و پیامدهای آن غافل شد. آمریکا با پشتیبانی اتحادیه اروپا، و در راستای سیاست‌های رژیم صهیونیستی، نقشه‌ی تجزیه کشورهای اسلامی را منتشر کرده است:

الف- تجزیه‌ی عراق ب- تجزیه‌ی سوریه پ- تجزیه‌ی لبنان

ت- تجزیه‌ی اردن ث- تجزیه‌ی عربستان ج- تجزیه‌ی یمن

چ- تجزیه‌ی پاکستان ح- تجزیه‌ی افغانستان خ- تجزیه‌ی ایران

د- تجزیه‌ی مصر ذ- تجزیه‌ی لیبی



در دهه‌ی اخیر، پس از جدا نمودن تیمور شرقی از کشور اسلامی اندونزی، و تجزیه‌ی سودان جنوبی از کشور اسلامی سودان، که مجموعاً منطقه‌ای بیش از وسعت کشور فرانسه از سرزمین‌های جهان اسلام جدا شد، اکنون در میانمار و آفریقای مرکزی - که مسلمانان در اقلیت هستند- نیز مسلمان‌زدایی از آن سرزمین‌ها ادامه دارد.

دو اقدام «تغییر مرزها و تجزیه‌ی کشورها» و «راندن اقلیت‌های مسلمان از سرزمین خود»، مستقیم و غیرمستقیم در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، بر سیاست‌های جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه، در طول برنامه‌ی ششم، جمهوری اسلامی ضمن این‌که نباید نسبت به این اهداف شوم بی‌تفاوت باشد، همچنین نباید غافل‌گیر شود و منفعل بماند.

2- بیداری اسلامی

بیداری اسلامی در چهار سال اخیر به سقوط دولت‌های مصر، لیبی، تونس و یمن انجامید؛ انقلاب یمن ناکام ماند اما کماکان ادامه دارد؛ انقلاب مصر و لیبی منحرف شد؛ اما انقلاب بحرین، همچنان در جریان است. سوریه خطر تکفیری‌ها را تا حدودی دفع کرده است. عراق عمیقاً در فتنه‌ی تکفیری‌ها درگیر است. پیروزی مردم غزه در نبرد 51 روزه در تابستان 1393 مجدداً

بیداری اسلامی را شعله‌ور ساخت. در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، بیداری اسلامی دو مرحله‌ی دیگر را از سر می‌گذراند:

الف- مرحله‌ی سقوط دولت‌های استبدادی- ارتجاعی، مانند عربستان و بحرین و برخی دیگر: عربستان در تغییرات سیاسی پس از ملک عبدالله و سعود الفیصل (که هر دو کهن‌سال هستند) دوران دشواری را پیش‌رو خواهد داشت. انزوای فرقه‌ی وهابی- تکفیری در جهان اسلام، انزوای ایدئولوژیک عربستان در دهه‌ی جاری را در پی دارد.

ب- مرحله‌ی شفافیت تشخیص اسلام ناب از فرقه‌های انحرافی، مانند وهابیت: بیداری اسلامی، یک وجه درونی، و یک زایمان دردناک را می‌گذراند؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام اصیل است و قدرت انطباق شرایط را با خود دارد؛ پاسخ به این پرسش که کدام اسلام می‌تواند و کدام اسلام توانست جامعه را در عصر مدرن مدیریت کند. این پاسخ‌ها در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی تعمیق می‌یابد و از مرحله‌ی شور و هیجان، به مرحله‌ی معرفت و شعور می‌رسد؛ جمهوری اسلامی برای این مرحله باید برنامه‌ی مشخص داشته باشد و در **عمق‌بخشی معرفتی به جریان بیداری اسلامی بکوشد**. این مرحله، موجب معرفی حقانیت جمهوری اسلامی در نسبت با اسلام آمریکایی ترکیه و اسلام تکفیری عربستان خواهد شد. در این مرحله، هم‌چنین جمهوری اسلامی باید تکفیریون شیعه و «عمامه‌های» انگلیسی را افشاء و منزوی کند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، مقطع مهم افشاء و تقبیح صهیونیست‌های مسلمان، اعم از سکولارهای مسلمان، تکفیریون سنی و تکفیریون شیعه است.

3- پروژه‌ی SSR ایران و سوریه

آمریکا تلاش می‌کند که در سوریه و ایران پروژه‌ی *SSR (Security Sector Reform)* را اجرا کند. **تحریم‌های اقتصادی بخشی از پروژه‌ی SSR هستند**. روند و ابعاد این پروژه باید برای مدیران جمهوری اسلامی معرفی شده و آن را ناکام گذارند. ممانعت از *SSR* آمریکا یکی از شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی ششم پیشرفت است.

IFP SECURITY CLUSTER
COUNTRY CASE STUDY: AFGHANISTAN
SECURITY SECTOR REFORM IN
AFGHANISTAN

Fatima Ayub, Sari Kouvo and Rachel Wareham
April 2009



INITIATIVE FOR PEACBUILDING



OECD DAC HANDBOOK ON
SECURITY SYSTEM REFORM
SUPPORTING SECURITY AND JUSTICE



2007 Edition

Journal of Security Sector Management

Published by:
Cranfield Security Sector Management Team
Cranfield University
Shrivenham, UK
ISSN 1740-2425

Volume 4 Number 4 - November 2006

Prospects of SSR in Lebanon

Edouard Belloncle

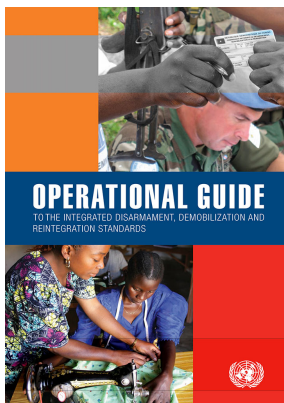
Abstract

Nearly four months after the conflict between Israel and Hezbollah, is there an opportunity for the concept of Security Sector Reform (SSR) to shape the reconstruction period in Lebanon? The necessity of a holistic and governance based approach is crucial when one considers the poor management of and the extent of the Syrian influence within the three main Lebanese security institutions, namely the military, the police and the intelligence services. Nevertheless, realistic and sustainable SSR initiatives need to start with the acknowledgement of the limits of the context of Lebanese politics, both with regard to internal and external dimensions. First, the divisions in the society and political communication in Lebanon have not yet created the conditions for the development of a common national identity in line with the model of the European nation-state from which the concept of SSR is drawn. Second, the democratic reforms of the security institutions are impeded by regional tensions and a threatening strategic environment. To securely engage in the necessary political reform, in line with SSR principles, the new government needs stability and security. This paper concludes that while domestic reforms are largely and necessarily in the Lebanese's hands, the international community can and must act on Lebanese external environment to encourage and facilitate the implementation of SSR in the country. This requires acknowledgment of Lebanon's need for external security. Indeed, in the absence of pressure from all regional powers, Israel included, it is unlikely that any attempt to implement SSR in the country will avoid being perceived as an attempt to interfere in Lebanese politics and security.

<http://www.ssr-online.org/jssm/index.cfm>

4- پروژہی DDR مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین

آمریکا پروژہی (DDR) (Disarmament, Demobilization, Reintegration) حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی را از طریق سازمان ملل پیگیری می کند. روند و ابعاد پروژہی DDR علیه مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین باید معرفی و افشاء گردد و از تحقق آن جلوگیری شود.



ابعاد پروژہی DDR امریکا
در جهان اسلام

عزیز بکیر



SECOND GENERATION
DISARMAMENT, DEMOBILIZATION
AND REINTEGRATION (DDR)
PRACTICES IN PEACE OPERATIONS

A Contribution to the
New Horizon Discussion on
Challenges and Opportunities
for UN Peacekeeping



PEACEKEEPING

NICKY HITCHCOCK

DDR

Disarmament, demobilisation & reintegration: The case of Angola

The disarmament, demobilisation and reintegration (DDR) process is a complex one. It is a process that involves the disarmament, demobilisation and reintegration of former combatants into civilian life and society. The process is often a long and difficult one, and it is essential that it is carried out in a way that is sensitive to the needs of the former combatants and the communities they are returning to. This paper discusses the challenges and opportunities for DDR in Angola, and provides a framework for understanding the process. It also discusses the role of the United Nations in supporting DDR in Angola, and the challenges that the UN has faced in this regard. The paper concludes by discussing the need for a holistic approach to DDR, one that takes into account the needs of the former combatants and the communities they are returning to, and the role of the United Nations in supporting this process.

38

5- پروژه‌ی DDR تکفیریون

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، در یک دیپلماسی ضد تروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی DDR تکفیریون سنی و شیعه را مدیریت کند.

6- پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، در یک دیپلماسی ضد تروریستی فعال در منطقه و جهان، پروژه‌ی SSR رژیم صهیونیستی را مدیریت کند.

7- پروژه‌ی SSR آمریکا

جمهوری اسلامی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، در یک دیپلماسی فعال ضد استکباری، در برابر پروژه‌ی SSR آمریکا علیه ایران، پروژه‌ی SSR آمریکا را در جهان به گفتمان عمومی تبدیل کند.

گزاره‌های ملی

1- محیط‌زیست

خشک‌سالی و تغییرات زیست‌محیطی، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی عدیده‌ای برای جمهوری اسلامی پدید می‌آورد؛ سال 1393 هفتمین سال خشک‌سالی پیاپی کشور است:

- الف- اکنون از هر 10 شهر ایران که رودخانه دارند، رودخانه‌های 9 شهر خشک‌شده است، به گونه‌ای که شهرداری‌های آنجا، بستر رودخانه‌ی شهر خود را آسفالت کرده و به مرور تغییر کاربری می‌دهند.
- ب- در شرق و غرب و مرکز کشور، دریاچه‌ها و تالاب‌ها با کمبود آب مواجه هستند.
- پ- تغییرات آب و هوایی و زیست‌محیطی موجب جابه‌جایی جمعیت و به‌ویژه «روستازدایی» می‌شود.

ت- فقرزایی حاصل از تغییرات زیست‌محیطی، پیامدهای اجتماعی- امنیتی گسترده‌ای در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت

خواهد داشت.

ث- غبار و ریزگردها که از غرب و جنوب غرب کشور وارد می‌شوند و هیچ درمان و علاچی ندارند، بر ساختار اجتماعی- اقتصادی غرب و جنوب غرب کشور تأثیر جدی خواهد داشت.

* شیوع معاصی، به‌ویژه **ربای سازمان‌یافته**، برکت را از زندگی و محیط‌زیست می‌برد. اگر در برنامه‌ی ششم به معصیت‌زدایی توجه نشود، مسئله‌ی بحران زیست‌محیطی به چالشی اساسی برای جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود. شرایط زیست‌محیطی خشک‌سالی، به‌ویژه کم‌آبی، موجب جابه‌جایی جمعیت می‌شود؛ **انتشار و پراکندگی جمعیت، یک مؤلفه‌ی قدرت ملی است که برهم خوردن آن، پیامدهای امنیتی دارد.** سرمایه‌گذاری امنیتی در قالب طرح آمایش سرزمین، برای انتشار و پراکندگی هوشمند جمعیت، موجب پدید آمدن یکی از متغیرهای امنیت پایدار - یعنی توزیع مناسب جمعیت - می‌شود. سرمایه‌ی ملکی در خطر است و در برنامه‌ی ششم می‌طلبد که نیروهای انقلاب اسلامی به میدان محیط‌زیست وارد شوند.

2- سرمایه ملکی: کاداستر^[8] و لندپارسل (حدنگاری)

سرمایه‌ی ملکی، نیازمند ثبت قانونی است. ابعاد حقوقی املاک ملی و طرح فقهی اُنفال، یکی از پایه‌های طرح آمایش سرزمین است.

الف- کاداستر ملی (که قانون آن در بهار 1393 در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید) در بازه‌ی برنامه‌ی ششم باید عملیاتی شود. پس از کاداستر عمومی، باید کاداستر سازمانی انجام شود:

- (1) کاداستر وزارت نفت.
- (2) کاداستر وزارت جهاد کشاورزی.
- (3) کاداستر وزارت صنعت، معدن و تجارت.
- (4) کاداستر وزارت راه و شهرسازی.
- (5) کاداستر وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری.
- (6) کاداستر دانشگاه آزاد اسلامی.
- (7) کاداستر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

8) کاداستر وزارت آموزش و پرورش.

9) کاداستر وزارت اقتصاد.

10) کاداستر بانک مرکزی و حوزه‌ی بانکی کشور.

11) کاداستر سپاه.

12) کاداستر ارتش.

13) کاداستر ناجا.

14) کاداستر ودجا.

15) وسایر سازمان‌ها.

***نکته:** ایران از حیث پدیده‌ی «زمین‌خواری» به‌عنوان یک جرم سازمان‌یافته‌ی «ماکروآلیاژی» موقعیت نامناسبی دارد که راه اصلی ممانعت از این جرائم ماکروآلیاژی در کاداستر و لندپارسل نهفته است.

ب- کاداستر جهان اسلام: فرهنگ کاداستر در جهان اسلام باید تعمیم یابد. صهیونیست‌ها با استفاده از خلأ کاداستر، سرزمین فلسطین را از زیر پای ساکنان آن کشیدند؛ از این‌رو فرهنگ کاداستر باید در کشورهای اسلامی نهادینه شود.

-3 سرمایه‌ی معرفتی

معرفت اسلامی، معرفت **توحیدی** است، اما تهدید و رخنه‌ای که در حوزه‌ی قدرت نرم در معرفت اسلامی پدید آمده است، **تثلیث** و **ثنویت** است: تثلیث مستتر در علوم مدرن [9]، و ثنویت عریان [10] در هنر. پیامد این رخنه، نابودی باور به توحید در آحاد جامعه اسلامی است.

سد رخنه و افشای آن، و تکیه بر معرفت توحیدی، با تعمیق آن در سطح جامعه، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، یک ضرورت حیاتی است، زیرا خدشه در معرفت توحیدی در آحاد جامعه، موجب خدشه در سایر حوزه‌ها خواهد شد و قدرت نرم جمهوری اسلامی را به چالش می‌کشد. **ریشه‌ی امنیت پایدار، در معرفت توحیدی است.**

4- سرمایه‌ی ایمان

متعلقات هفت‌گانه‌ی ایمان قرآنی (ایمان به غیب، خدا، ملائکه، کتاب، انبیاء، آیت‌ها، و آخرت) هیچ‌گاه مانند امروز مورد هجوم شیطان و جنود او نبوده‌اند. امروز به‌گونه‌ای سازمان‌یافته هر هفت متعلق ایمان (جداگانه) تخریب می‌شوند؛ پیامد آن، تخریب باورهای دینی است و اگر از جامعه‌ی مسلمین، ایمان گرفته شود، عمل صالح آحاد آن جامعه نیز کارساز نخواهد بود، زیرا قرآن کریم 65 بار عمل صالح را پس از ایمان کامل آورده است.

1) فرسایش سرمایه‌ی ایمان، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، ادامه خواهد یافت. از این‌روست که باید نخبگان و مسئولین را حساس، و مردم را دغدغه‌مند نمود: تبیین هفت متعلق برای توده‌ی مردم، سپس رصد تخریب هر یک از متعلقات، و آنگاه عمق‌بخشی و تقویت هر کدام از آن‌ها در سطح جامعه، سه اقدام هم‌زمان **بازتولید سرمایه ایمان است**.

* در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، تشکیل مراکز و **نهادهای اشاعه‌ی ایمان**، با سنج و سازوکار ارزیابی ضریب آن‌ها، ضروری است.

2) اعلامیه‌ی جهانی «حق خدا» مشتمل بر ترندهای حق خالق، حق خلقت، حق مخلوق، و حق اشرف مخلوقات، در بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، تکمیل‌شده و به گفتمان عمومی تبدیل شود.

5- سرمایه علم

جنبش تولید علم در ایران تحرک نسبی داشته و اکنون ایران پس از یک دوره‌ی 300 ساله، واجد جامعه‌ی علمی است؛ اما سرمایه‌ی علمی در بازه‌ی برنامه‌ی ششم سه آماج‌گذاری مشخص را می‌طلبد:

الف- دستیابی به علوم اقتدار آفرین

این‌که کشور ایران امروز واجد جامعه‌ی علمی است به این معنی نیست که همه‌ی این علوم، به اقتدار ایران اسلامی می‌افزایند؛ بلکه برعکس، برخی از این علوم، به‌ویژه در علوم انسانی با مبنای غیرتوحیدی [11]، موجب اقتدار زدایی از ایران اسلامی هستند. علم اقتصاد مدرن که ذاتاً ربوی است، هر قدر ضریب نفوذ بیشتری در ایران داشته باشد، اقتدار اسلامی ایران را می‌زداید. **تحول در علوم، با شاخص اقتدار آفرینی**، در مقطع برنامه‌ی ششم پیشرفت، باید پیگیری شود:

1) علوم اقتدار آفرین انسانی.

2) علوم اقتدار آفرین پایه.

3) علوم اقتدار آفرین فنی.

4) علوم اقتدار آفرین زیستی.

***نکته:** مدرک گرایی مفرط در بازه‌ی برنامه‌ی ششم موجب اعتبار زدایی از دانشگاه و مدارک آن در میان عموم مردم می‌شود. این اعتبار زدایی، فرصتی طلایی است تا مجدداً دانشگاه و علم، عرصه‌ی جویندگان حقیقی معرفت و دانش گردد.

ب- دانشگاه حکمت‌بنیان

پس از دانشگاه‌های نسل یکم آموزش‌محور، نسل دوم پژوهش‌محور، و نسل سوم کارآفرین، دانشگاه‌های نسل چهارم حکمت‌بنیان مطرح هستند. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت، فرصت مناسبی برای پایه‌گذاری نمونه‌های آزمایشی دانشگاه‌های حکمت‌بنیان است.

ج- دبستان حکمت‌بنیان

حرکت حکمت‌بنیان ضرورتاً باید از دبستان آغاز شود.

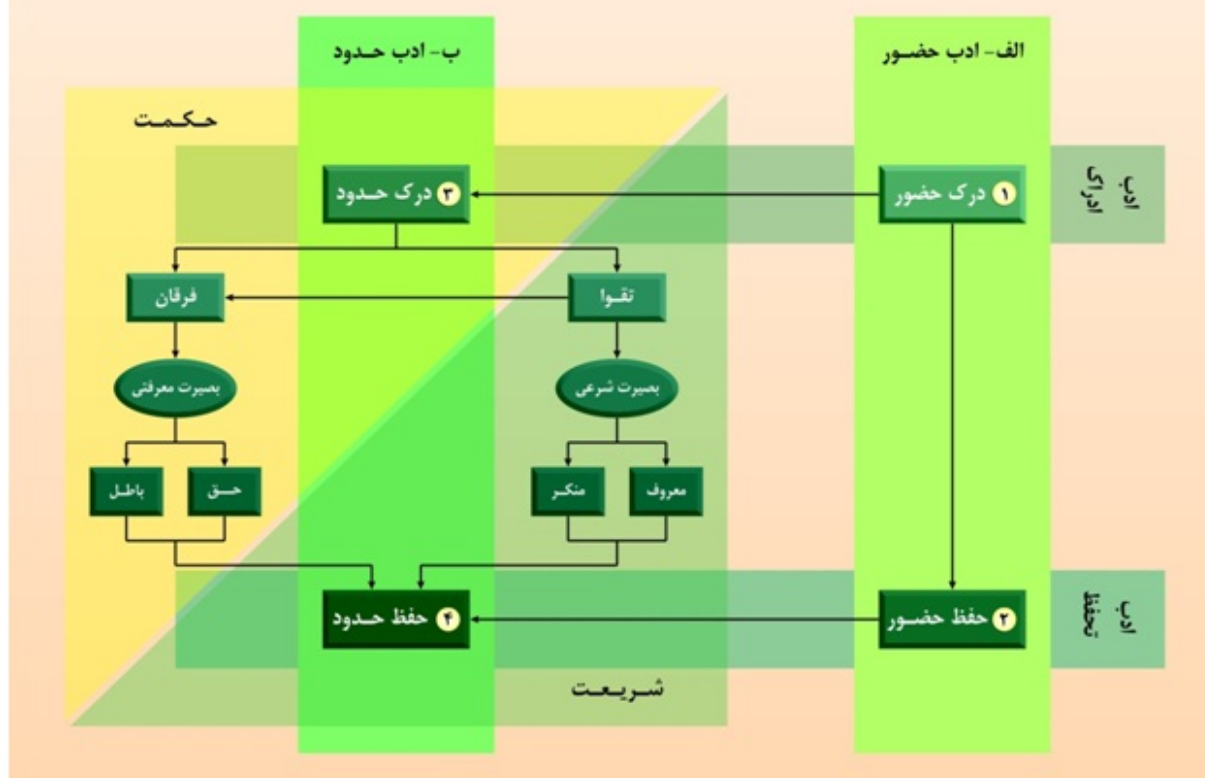
***نکته:** سرمایه‌ی علمی، بخشی از قدرت نرم کشور است که در چهارچوبی حکمت‌بنیان، به اقتدار آفرینی منتج می‌شود.

6- سرمایه‌ی ادب و تربیت

تفرد و پدیده‌ی فلسفی ایندیویژوالیسم Individualism، بیماری مهلک تربیتی قرن بیست‌ویک میلادی است. این بیماری در جامعه ایران ناشناخته است، اما به سرعت در حال اپیدمی و فراگیر شدن است.

الف- ادب حضور

در تلقی هستی‌شناختی امام خمینی (ع^ه)، نسخه‌ی درمان ویروس بیماری تفرد است [12]. در برنامه‌ی ششم پیشرفت باید پدیده‌ی ایندیویژوالیسم رصد و ارزیابی شود، و هم‌زمان ادب حضور ترویج و تعمیق گردد. ادب حضور را می‌توان از مهدهای کودک و دبستان‌ها آغاز نمود. برنامه‌ی ششم پیشرفت، باید بستر تحقق و نهادینه‌سازی ادب حضور شود.



ب- آموزش تراز

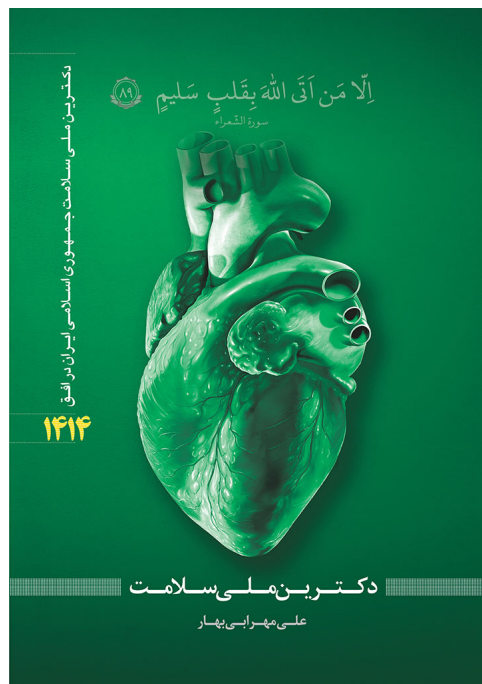
تحولات تکنولوژیک، و بصری شدن عمده‌ی دریافت‌های معرفتی، یک انقلاب اساسی را در امر آموزش رقم‌زده است. عصر «اصالت تصور» که از راه شنیدن و خواندن حاصل می‌شد، به‌مرور جای خود را به عصر «اصالت تصویر» می‌دهد که از راه دیدن محقق می‌شود. سینما به کمک آموزش آمده است و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «تربیت»، واژه‌ی «اجوتینمنت» را برای مدارس، و از ترکیب دو مفهوم «تفریح» و «دانش»، واژه‌ی «ساینتینمنت» *Edutainment* را برای دانشگاه فراهم آورده است.

بازهی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، مقطعی است که جبراً شیوه‌ی «اجوتینمنت» و «ساینتینمنت» جایگزین روش آموزش کنونی می‌شود؛ درمقابل ایندگرگونینبایدمنفعلبود. در این تحول، طول دوره‌ی مدرسه و دوره‌ی دانشگاه به نحو چشم‌گیری کاهش می‌یابد.

7- سرمایه‌ی سلامت

سلامت تراز در نگرش قرآنی در «قلب سلیم» است. روی‌کرد کنونی، محدود به تندرستی Health است. این روی‌کرد، یک

نگرش مادی است که در آن حیات محدود به تن انسان است و بیماری نیز صرفاً محدود به بیماری‌های جسم انسان است. این نگرش داروینیستی به حیات و انسان، مکتب مادی‌گرایانه‌ی علوم پزشکی امروز است. تلاش کنونی برای درمان امراض جسمی در علوم پزشکی کنونی، قابل‌تقدیر است. اما درمان مرض‌های نفس و روح که به سلامت قلب می‌انجامد در علوم پزشکی داروینیستی جایگاهی ندارد. بازه‌ی برنامه‌ی ششم، دوره‌ی گفتمان‌سازی قلب سلیم است. گفتمان‌سازی مبحث قلب سلیم، مرحله‌ی عبور از داروینیسم در علوم پزشکی، و نزدیک شدن به طب تراز قرآنی است.



8- سرمایه‌ی سیاسی

سرمایه‌ی سیاسی در چهار حوزه‌ی **نخبگان سیاسی**، **نهادهای تصمیم‌ساز**، **متنفذین سیاسی** در قالب ابرطبقه، و **احزاب سیاسی بازتولید** می‌شود. در تلقی دینی در اسلام، عنصر امامت و ولایت به‌عنوان حوزه‌ی پنجم بازتولید سیاست شناخته می‌شود. به‌ویژه این‌که سیاست همان دیانت است در عمل.

الف- نخبگان سیاسی

در بازه‌ی زمانی 1393- 1400 بخش عمده‌ای از نسل یکم انقلاب اسلامی از دنیا رحلت می‌کنند. در طول برنامه‌ی ششم پیشرفت، نخبگان نسل دوم باید آماده‌ی جایگزینی با نخبگان نسل یکم شوند. سرمایه‌ی سیاسی ایران امروز حزب‌محور نیست، بلکه شخصیت‌محور است.

ب- نهادهای تصمیم‌ساز

سرمایه‌ی مستشاری، بخش مهمی از سرمایه‌ی سیاسی است. نهادهای مستشاری، نهادهای تصمیم‌ساز هستند. ایجاد، حفظ و بسط اندیشه‌های تصمیم‌سازی عمومی و تخصصی، در سطح ملی و استانی، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم یک ضرورت است.

پ- ابرطبقه

در قدرت نرم سیاسی، پیدایش و وجود ابرطبقه «سوپر کلاس» *Super-Class* یک واقعیت است. ابرطبقه‌ی جهانی بیش از 6000 نفر برآورد شده است. [13]

بانک‌داران، ثروتمندان، صاحبان صنایع، کارتل‌ها و تراست‌ها، سیاست‌مداران، هنرمندان، و ورزشکاران مطرح، اعضای ابرطبقه هستند که در داووس سوئیس گرد هم می‌آیند. فرقه‌ی داووسیه، دنباله‌ی باشگاه روم و کمیته‌ی 300 است. مهم‌ترین پیامد تجمع ابرطبقه در داووس، کاهش تأثیر سازمان ملل و ارتقاء ضریب نفوذ داووس به‌عنوان نهاد غیررسمی بین‌الملل در سایه است.

ابرطبقه زائیده‌ی جامعه‌ی لیبرالیستی و کاپیتالیستی است. در ایران امروز نیز با توجه به ضریب نفوذ فرهنگ و اقتصاد لیبرالیستی و سرمایه‌داری، شکل‌گیری ابرطبقه آغاز شده است. فوتبالیست‌های صاحب نفوذ، ثروتمندان، سیاسیون پرده‌نشین، متنفذین اقتصادی- فرهنگی، هنرمندان و سینماگران ذی‌نفوذ، بخشی از ابرطبقه‌ی در حال نهادینه شدن هستند. شهرام جزایری، بابک زنجانی، و پدیده‌ی فساد بانکی 3000 میلیاردی در سال‌های اخیر، نمونه‌های مالی این هرم هستند. بازه‌ی زمانی برنامه‌ی ششم پیشرفت، دوره‌ی تثبیت و نهادینه شدن ابرطبقه در قالب پذیرش اجتماعی- سیاسی آنان است.

* برآورد ابرطبقه‌ی جهانی و ابرطبقه‌ی ملی ضروری است، زیرا ابرطبقه، بنیه‌ی سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و امنیتی کشور را تضعیف می‌کند.

9- سرمایه‌ی اجتماعی (با تمرکز بر خانواده و جمعیت)

بر مبنای گزارش نهادهای بین‌المللی در نقشه‌ی خانوادگی 2014، خانواده عملاً در بسیاری از جوامع مدرن فروپاشیده است و «هم‌باشی» به پدیده‌ی رایج تبدیل شده است. در این گزارش‌ها، بخش قابل‌توجهی از کودکان جهان زنازاده هستند.



نگرانی از کاهش جمعیت و پیری جمعیت کشور، امروز نقل مجالس است. کاهش سن ازدواج، ازدواج آسان، تشویق زادوولد، توانمندسازی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردان، پیشنهادهایی است که مطرح می‌شود، اما چالش‌های جدی در این راه وجود دارد:

الف- کاهش جمعیت، یک متغیر مهم دارد: تفرد. پدر و مادری که اسیر ویروس تفرد Individualism شده‌اند قطعاً تحمل کودک و فرزند را ندارند.

ب- وقوع انقلاب جنسی در ایران. انقلاب جنسی، مانند آنچه در دهه‌ی 1950 در آمریکا رخ داد، در حال وقوع است. پایه‌ی ایدئولوژیک این انقلاب جنسی، فمینیسم و هدونیسیم است. به نوشته‌ی آلن بلوم BloomAlan، پروژه‌ی مرکزی فمینیست‌ها، حیازدایی به‌منظور تحقق انقلاب جنسی است [14]. جنبش فمینیستی ایران نیز در دو دهه‌ی اخیر، نقش کلیدی در حیازدایی برای تحقق انقلاب جنسی ایفاء کرد. از این‌رو، این جنبش عمیقاً مورد حمایت سرویس‌های جاسوسی غرب بوده و هست. اصالت لذت، بخش مکمل حیازدایی در انقلاب جنسی است. ظاهراً انقلاب جنسی ایران، در بازه‌ی برنامه‌ی ششم، از حیث نسلی تثبیت و نهادینه می‌شود. با توجه به رخوت مدیریت علمی- فرهنگی- تربیتی- هنری و رسانه‌ای کشور، اقدام مناسبی از سوی نهادهای رسمی انجام نمی‌شود. از این‌رو، باید در طول برنامه‌ی ششم، گفتمان‌سازی حیا- که آغاز شده است- با حرکت خودجوش مردمی، شتاب روزافزون بگیرد.

وابستگی روز افزون به فضای سایبر، شکل‌گیری پدیده‌های **جهان موازی، جامعه‌ی مجازی و زندگی دوم**، آسیب‌پذیری‌های نوینی را رقم‌زده است که در حیطه‌ی امنیت سایبر دسته‌بندی می‌شود.

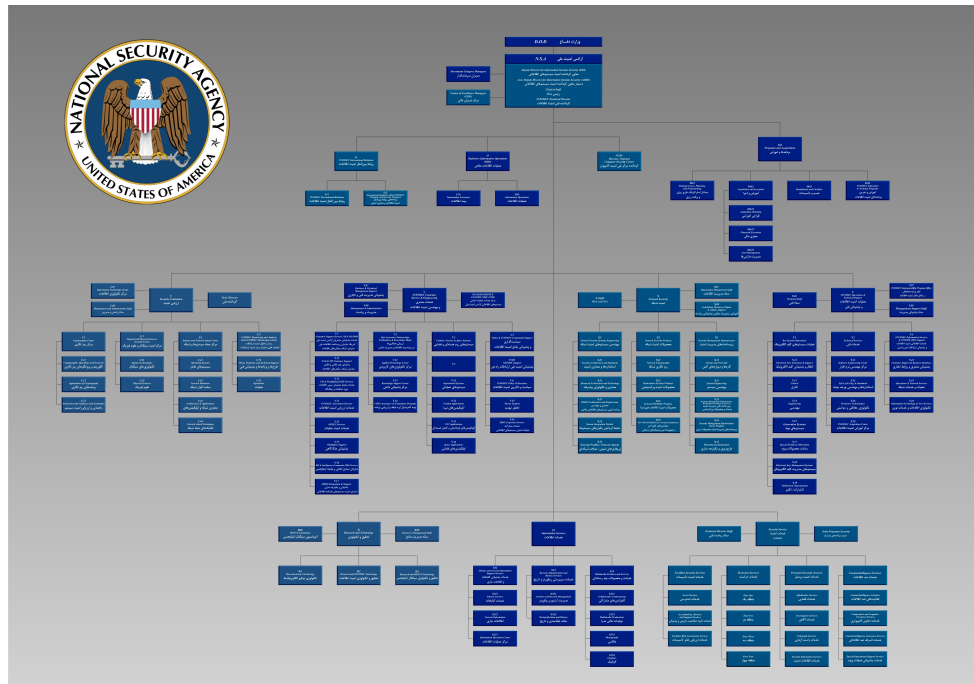
استقلال سایبر، متضمن امنیت سایبر است. زیرساخت شبکه (و همچنین سیستم‌عامل بومی و موتور جست‌وجوی بومی)، از مصادیق استقلال سایبر است. **پیش‌نیاز استقلال سایبر، نهادسازی سایبرنتیک است.** کشوری که بانی اینترنت و فضای سایبر است، یعنی ایالات‌متحده، پدیده‌ی اینترنت و امور سایبر را به وزارت *AT&T* یعنی وزارت‌خانه‌ی امور پست و تلگراف و تلفن خود نداده است، بلکه آن را به سازمان امنیت ملی *NSA* در وزارت دفاع آمریکا سپرده است. انگلیس نیز آن را به سازمان *GCHQ* واگذارده است. عجیب است که در ایران، یک حیطه‌ی نظامی - امنیتی، به نهاد غیرنظامی یعنی وزارت ارتباطات واگذار شده است.

امنیت پایدار در حوزه‌ی سایبر متضمن این است که اینترنت و مدیریت سایبر از وزارت ارتباطات گرفته‌شده و به نیروهای مسلح واگذار شود. بازه‌ی برنامه‌ی ششم پیشرفت جمهوری اسلامی، مقطع فرهنگ‌سازی انتقال اینترنت و فضای سایبر به حیطه‌ی مأموریتی نیروهای مسلح است. کشور ایران محتاج یک نهاد کارآمد مانند *NSA* است. دیدن ساختار سازمانی *NSA* که متولی اینترنت در آمریکا است به‌خوبی می‌نمایاند که هیچ‌یک از اجزاء آن در ساختار سازمانی وزارت ارتباطات ایران نهاد مشابه ندارد. با توجه به یک‌پارچگی مدیریت اینترنت در آمریکا با فرماندهی جنگ‌های سایبری آن - که هر دو به ژنرال مایکل راجرز سپرده شده است - در ایران نیز باید با ایجاد سازمان مشابه *NSA* استقلال سایبرنتیک را رقم زد.

در هر منازعه‌ی تمام‌عیار میان ایران و آمریکا، مهم‌ترین منفذ و در واقع چشم اسفندیار قدرت ملی ایران، ساختار ارتباطات آن است. اینترنت جهان که ظاهراً پدیده‌ای غیرنظامی است، در واقع یک محصول عمیقاً نظامی است که کاملاً در کنترل وزارت دفاع آمریکا است و تحت پروتکل‌های آژانس امنیت ملی *NSA* در بخش موتورهای جست‌وجو، سیستم‌های عامل، امنیت شبکه، و امنیت اطلاعات عمل می‌کند. حمله‌ی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات اتمی ایران با ویروس استاکس‌نت و زیان‌های وارده، نشان داد که ورود اینترنت به شکل غیرنظامی به ایران، اقدامی غیر کارشناسی بوده و ضمن دستاوردها و خدمات عالی، متأسفانه آسیب‌پذیری دفاعی را افزایش داده است.



ژنرال کیت الکساندر- رئیس سابق 2005-2014 آدميرال مايكل راجرز- رئيس NSA (از 2014)



(ساختار NSA را در نشانی www.nsainfo.ir ببینید.)

11- اقتدار ملی - اقتدار بین‌المللی

نیروی انتظامی، مظهر اقتدار ملی جمهوری اسلامی است. ارتش، مظهر اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی، و سپاه پاسداران، مظهر اقتدار بین‌المللی انقلاب اسلامی است. وحدت تلاش‌ها در ایجاد این تصویر سه‌وجهی، در برنامه‌ی ششم، بخشی از جهت‌گیری روانی امنیت پایدار است. به دلیل گسترش و شیوع تروریسم فرقه‌ای در منطقه‌ی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا، لزوماً ارتقاء سواد انتظامی عموم جامعه در راستای اقتدار ملی، ارتقاء سواد دفاعی عموم جامعه در راستای اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی، و ارتقاء سواد پاسداری عموم جامعه در راستای اقتدار بین‌المللی انقلاب اسلامی، باید سرلوحه‌ی فعالیت‌های انتظامی و نظامی قرار گیرد.

منابع:

[1] واژه‌ی ترند *Trend* در زبان فارسی به معنی «فرانمای روند» وقایع و تصمیم‌های معطوف به آن است. ترندگذاری از سه مکتب کلی تبعیت می‌کند: مکتب یکم مبتنی بر تبیین وضع موجود؛ مکتب دوم مبتنی بر تبیین وضع مطلوب؛ و مکتب سوم که غایت انگار است، مبتنی بر عاقبت‌نگری در عالم عقبا است.

[2] امام خامنه‌ای، ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، 30 بهمن 1392.

[3] امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، 20 اسفند 1392.

[4] صحیفه‌ی امام، جلد 18، صفحه‌ی 434، سخنرانی در جمع مسئولان اقتصادی و کشاورزی، 25 اردیبهشت 1363.

«اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواسته، باز در بانک‌اش، در تجارت‌اش، در بین مردم‌اش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک هم‌چون چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَذِّنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»، اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانک‌داری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پول‌شان برای‌شان کار می‌کند و حال آنکه پول نباید کار بکند.

پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد.»

[5] امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارکنان و فرماندهان ارتش، 28 فروردین 1375.

«بالتر از استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی است که مسئولان کشور، نمایندگان مجلس و دست‌اندرکاران مسائل اقتصاد، باید توجه کنند که درزمینه‌ی پول، درزمینه‌ی سازوکارهای اقتصادی و درزمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی، وابستگی خودشان را در همه‌ی بخش‌ها قطع کنند.»

[6] Francois Gorges-Picot

[7] Sir Mark Sykes

[8] نهادهای تقسیمات ارضی و تعیین حدود.

[9] امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، 11 تیر 1393.

[10] اندیشه‌ی ثنوتی «ین و یانگ» توسط هالیوود در هنر سینما و انیمیشن، در دهه‌ی اخیر شیوع عجیبی یافته است.

[11] امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، 11 تیر 1393.

[12] امام خمینی (ره)، «سر الصلوه»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1378.

[13] راتکاف، دیوید - ابرطبقه»، ترجمه احمد عزیزی، انتشارات کویر، 1389.

[14] Allam Bloom, "The Closing of The American Mind", P101.

دانلود "ترندگذاری برنامه ششم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران (ویراست مهر ماه ۳۹۳۱)" - 5-1399-1394-Trend6%5B1394-1399%5-

-Mehr93-V1.0.pdf – Downloaded 9248 times – 26 MB

